

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ضمیمه‌ی کتاب

هدیه‌های آسمان و آموزش قرآن

تعلیم و تربیت اسلامی
ویژه‌ی اهل سنت
سوم دبستان

توجه: درس‌های بخش هدیه‌های آسمان این کتاب به جای درس‌های ۱، ۲، ۹، ۱۰، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۳، ۲۴ و ۲۵ تدریس می‌شود و سایر درس‌ها همگانی است. همچنین دو درس بخش قرآن، به جای درس‌های ۱ و ۲ کتاب آموزش قرآن است.

وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

برنامه‌ریزی محتوا و نظارت بر تألیف: دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی

نام کتاب: ضمیمه‌ی هدیه‌های آسمان و آموزش قرآن سوم دبستان (ویژه‌ی اهل سنت) - ۲۷

مؤلفان: درس‌های ۱۴ تا ۱۸ و ۲۳ تا ۲۵ مولوی نذیراحمد سلامی، عزالدین حسنی، خالد نویدی، صدیق خالق پناه و معد مردوخی

آماده‌سازی و نظارت بر چاپ و توزیع: اداره‌ی کل چاپ و توزیع کتاب‌های درسی

تصویرگر پشت جلد: هدی حدادی

صفحه‌آرا: علی نجمی

ناشر: اداره‌ی کل چاپ و توزیع کتاب‌های درسی

تهران: خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره‌ی ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)

تلفن: ۹-۱۱۶۱۱۶۱۸۸۸۳، دورنگار: ۹۲۶۶-۸۸۳۰، کدپستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹

وب‌سایت: www.chap.sch.ir

چاپخانه: شرکت افست «سهامی عام» (WWW.Offset.ir)

سال انتشار و نوبت چاپ: چاپ هفتم ۱۳۹۰

حق چاپ محفوظ است.

شابک ۹۶۴-۰۵-۱۳۵۱-۲-۹ ISBN 964-05-1351-2



فهرست



پاداش نیکی
۲۲



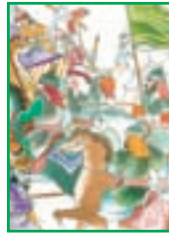
درس ۱۵
بهترین انسان
۱۳



درس ۱
سایه و سارا
۴



درس ۲۳
.....
۲۴



درس ۱۶
شیر خدا
۱۴



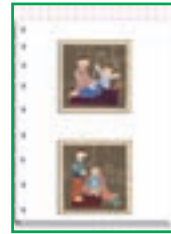
درس ۲
مدرسه ی ده
آفتاب
۶



درس ۲۴
عبادت
۲۶



درس ۱۷
کودکان شاد
۱۶



درس ۹
آن وقتها
۸



درس ۲۵
حق همسایگی
۲۷



درس ۱۸
پسر پیامبر (ص)
۱۸



درس ۱۰
چه باشکوه و زیبا...!
۱۰



بخش آموزش قرآن
۲۸



درس ۲۰
جشن مسلمانان
۲۰



درس ۱۴
اهل یمن
۱۲

سایه و سارا

هوا آفتابی است. سارا کوچولو سایه اش را روی زمین می بیند. او سوار تاب می شود. سایه هم تاب می خورد. دخترک می ایستد. سایه هم می ایستد. سارا به سایه می گوید: «بینم! تو کیستی؟ چرا من هر کاری می کنم، تو هم همان کار را می کنی؟» اما سایه چیزی نمی گوید. سارا بی حرکت می نشیند. سایه هم بی حرکت می نشیند. سارا با کنجکاوی می پرسد: «راستی تو چه می خوری؟ چه می پوشی؟ کی می خوابی؟» سایه باز هم سکوت می کند. سارا دوباره می پرسد: «اصلاً بگو بینم، آیا تو می توانی حرف بزنی؟...»

سارا هر چه سؤال می کند، جوابی نمی شنود. او از حرف زدن با سایه ناامید می شود و به بازی خود ادامه می دهد. سایه هم بازی را ادامه می دهد.

مدتی می گذرد. سارا خسته و تشنه می شود. او به سایه می گوید: «تو هم تشنه هستی؟» اما جوابی نمی شنود. سارا می گوید: «مثل این که تو، نه گرسنه می شوی نه تشنه. خوش به حالت! کاش من هم مثل تو بودم!»

مادر روی نیمکتی نشسته است. او خوراکی و آب خنک همراه دارد. سارا دست هایش را می شوید. آب را می نوشد و می گوید: «چه آب خنکی!... خدا را شکر!» سپس خوراکی را می خورد و خدا را شکر می کند. او با خودش می گوید: «به به! چه خوش مزه! کاش دوستم سایه هم می توانست مثل من از این خوراکی ها بخورد و لذت ببرد!»

حالا بر ایم بگو



چه چیزهای دیگری را می شناسی که سارا می تواند از آن ها لذت ببرد؟



اکنون می‌توانی ...

اگر دوست داشته باشی می‌توانی دست‌هایت را جلوی نور آفتاب
بگیری و روی دیوار، سایه‌های زیبایی را درست کنی.

مدرسه ی ده آفتاب



یک صبح زیبای پاییزی است. هوای ده کم رو به سردی می رود.

.....

گروه گروه به مدرسه می آییم؛ شادتر از روزهای قبل.
قرار است همراه آموزگار خود، به گردش علمی برویم.

.....

به پنج دسته تقسیم می شویم و همراه سرگروه های خود به طرف یکی از باغ های ده حرکت می کنیم. می خواهیم پس از گردش تا بعد از ظهر در باغ بمانیم و درباره ی جانوران و گیاهانی که آن اطراف می بینیم تحقیق کنیم.

.....

آن باغ با فاصله ی زیادی از ده و در دامنه ی کوه قرار دارد. برای رسیدن به آن جا باید از روی یک پل چوبی کوچک عبور کنیم.
با احتیاط و به نوبت، رد می شویم.
آخرین گروه در حال عبور است که ناگهان قسمتی از پل می شکند و فرو می ریزد. یکی دو نفر از بچه ها به درون نهر می افتند.

نهر، پُر آب نیست. اما سقوط ناگهانی در آب، بچه‌ها را می‌ترساند؛
آن‌ها داد و فریاد می‌کنند.

.....

آقای معلّم فوراً می‌رود تا به بچه‌ها کمک کند.
یکی از بچه‌ها ترسیده و بی‌حال شده است. معلّم او را بر دوش می‌گیرد و به باغ می‌رساند.

.....

باغ از سر و صدای بچه‌ها پر شده است.
باغبان پیر بچه‌ها را دور بخاری هیزمی جمع می‌کند.

.....

کنار یک‌دیگر نشسته‌ایم. نگرانی‌ها برطرف شده است. معلّم به ما لبخند می‌زند، ولی چشم‌هایش
پر از اشک است.

خدا را شکر می‌کنیم که سالم هستیم.

در میان دوستان، در فضای باغ و همراه معلّم بودن چه لذّت و آرامشی دارد!

.....



اگر بخواهی می‌توانی جاهای خالی را در داستان مدرسه‌ی ده آفتاب پر کنی، یا این که داستان
دیگری شبیه به آن بنویسی.



مردی گرسنه و تشنه، انسانی خسته و غمگین، کودکی تنها، گمشده‌ای در راه، بیماری ناتوان و
یا ...

چگونه خوش حال می‌شوند؟ برای هر یک چه چیزی لذّت بخش‌تر است؟
آیا می‌توانی نمونه‌های دیگری را از زندگی خود و یا دوستانت ذکر کنی؟

آن وقت‌ها

۹

آن وقت‌ها که خیلی کوچک بودم ...



کمی که بزرگ تر شدم ...



سپس آرام آرام یاد گرفتم ...

۸



اکنون دیگر بزرگ شده‌ام و می‌خواهم مثل بزرگ‌ترها، خدای مهربان را عبادت کنم.
 من به سنّ تکلیف رسیده‌ام و به خوبی می‌توانم وظایف دینی‌ام را انجام دهم.
 من می‌خواهم نمازهای دو رکعتی، سه رکعتی و چهار رکعتی را به خوبی به جا بیاورم.

حالا برایم بگو



برای این که بتوانیم نمازهایمان را به درستی به جا بیاوریم چه کارهایی باید انجام دهیم؟



تو به خوبی می‌توانی نمازهای پنج‌گانه را در وقت مناسب، در مدرسه یا خانه بخوانی و خداوند را عبادت کنی.

چه باشکوه و زیبا...!

وضو گرفته‌اید.
چادرهای زیبا بر سر کرده‌اید.
سجاده‌ها را پهن کرده‌اید.
کنار دوستان خوبتان نشسته‌اید.
سرود می‌خوانید.
شیرینی می‌خورید.

اکنون مثل بزرگ‌ترها با خدای مهربان گفت و گو می‌کنید.
دعا می‌کنید. نماز می‌خوانید و
می‌توانید ...

...

چه قدر زیبا شده‌اید!
چه قدر بزرگ شده‌اید!
آیا تا به حال، این قدر خوش حال بوده‌اید؟!

حالا برایم بگو



چرا این روز را جشن گرفته‌اید؟



مادری داشت، پیر و ناتوان.
 او مادرش را در بیش‌تر کارها کمک می‌کرد؛ زیرا می‌دانست مادرش او را بزرگ کرده است و خداوند دستور داده که همگی به پدر و مادر خود احترام بگذارند.
 او نامش اویس بود.
 اویس همیشه نام و یاد خدا بر دل و زبانش بود و به پیامبر خدا (ص) عشق می‌ورزید.
 روزی از مادر اجازه گرفت تا به دیدن پیامبر عزیز برود و چون مادرش به مراقبت نیاز داشت، به او قول داد که زود برگردد.
 با خوش حالی به راه افتاد و به مدینه رسید. به خانه‌ی پیامبر رفت، اما فهمید که پیامبر در خانه نیست و به مسافرت رفته است. به خاطر قولی که به مادرش داده بود، در مدینه معطل نشد و زود نزد مادرش بازگشت.
 وقتی پیامبر از سفر بازگشت، فرمود: «بوی بهشت از جانب یمن می‌آید.»
 آری اویس، اهل یمن بود.

آیا می‌دانید

ما نسبت به مادرانمان چه وظایفی داریم؟

حالا برایم بگو



چرا پیامبر (ص) فرمود: «بوی بهشت از جانب یمن می‌آید.»؟



بهترین انسان

نام او محمد (ص) و لقبش امین است. مأموریت او، پیامبری خداوند مهربان برای مردم و هدفش، خوشبختی همه‌ی انسان‌ها و نشانه‌ی پیامبری او کتاب قرآن است. خداوند درباره‌ی او می‌فرماید: «إِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ» (ای پیامبر) تو بسیار خوش اخلاق هستی. او حتی قبل از آن که پیامبر شود، لقب امین داشت. چون بسیار امانت‌دار بود. در سخن گفتن همیشه راست می‌گفت. به همه سلام می‌کرد. بچه‌ها را دوست داشت. با آن‌ها بازی می‌کرد و به آن‌ها احترام می‌گذاشت. به نیازمندان زیاد کمک می‌کرد و نسبت به همه‌ی انسان‌ها و حتی حیوانات محبت می‌کرد. خداوند به ما دستور داده است از او پیروی کنیم و مانند او خوب و مهربان باشیم.



حالا برایم بگو



اگر بخواهیم انسان خوبی باشیم،
چه کارهایی باید انجام بدهیم؟

شیر خدا

در میان کافران، مردی بود بسیار قوی و نیرومند.
او همراه با دیگر کافران آمده بود که با مسلمانان بجنگد.
به میدان آمد و مغرورانه مبارز خواست.



پیامبر(ص) حضرت علی (کرم الله وجهه) را جلو فرستادند. مبارزه شروع شد. چند دقیقه بعد حضرت علی پیروز و مسلمانان بسیار شاد شدند. آری او شیر خدا، شجاع و فداکار بود. حضرت علی (کرم الله وجهه) پسر عمو و داماد پیامبر بودند. همسر مهربانش حضرت فاطمه دختر پیامبر(ص) بودند. حضرت حسن و حضرت حسین پسران او بودند. مسلمانان پس از خلافت حضرت عثمان (رض) وی را به رهبری خود انتخاب کردند. ایشان چهارمین خلیفه از خلفای راشدین هستند.



کودکان شاد

در کلاس درس
شور بر پا بود
پنجره باز و نور پیدا بود
پرتو خورشید
بر چمن تابید
خستگی رفت و تنبلی خوابید

گوی خورشیدی
وه! چه زیبا بود
آسمان آبی
عین دریا بود

درس ما امروز
درس آزادی است
درس حق گویی
درس دل شادی است

آقا معلم
از عبادت گفت
از خداجویی
از صداقت گفت

ما همان نور
پاک انسانیم
تابش لطف
ذات یزدانیم

کودکانیم و
شاد و خندانیم
بندگان حق
از دل و جانیم



پسر پیامبر (ص)



نیمه‌های روز بود که خبر رسید ابراهیم پسر پیامبر (ص) فوت کرده است. اتفاقاً در همان روز خورشید گرفتگی پیش آمد. بعضی از مردم فکر کردند که خورشید به خاطر مرگ فرزند پیامبر (ص) تاریک شده است و درباره‌ی آن با هم صحبت می‌کردند. وقتی این خبر به پیامبر (ص) رسید، فوراً میان مردم رفت و فرمود: خورشید گرفتگی از آیات و نشانه‌های قدرت خداوند است و به خاطر مرگ هیچ کس خورشید گرفتگی پیش نمی‌آید آری، پیامبر (ص) با صداقت به مردم فهماند که مرگ حق است و همه می‌میرند و پیش خداوند مهربان می‌روند و نباید هیچ کس از این سخنان بگوید.



حالا برايـم بگو



پيامبر اسلام (ص) با اين كار خود، چه درسي به ديگران داد؟

جشن مسلمانان

الله اکبر ... الله اکبر ... لا اله الا الله ... الله اکبر
 سر و صدای زیادی در کوچه و خیابان پیچیده است.
 پدر و مادر لباس‌های تمیز و خوش‌بو به تن کرده‌اند.
 مادرم می‌گوید: «عزیزم عجله کن! به زودی مراسم شروع می‌شود.»
 خیلی زود آماده می‌شوم.
 مادر لباس‌هایم را شب قبل شسته و اتو کرده است. جوراب‌هایم را هم خودم شسته‌ام.
 او سجاده‌های نماز را برمی‌دارد. پدر هم زیراندازها را همراه می‌آورد.
 نماز عید تمام شده است. مردم با شیرینی و شکلات از یک‌دیگر پذیرایی می‌کنند و عید را به هم
 تبریک می‌گویند. همه با هم تکبیر می‌گوییم: الله اکبر ... الله اکبر ... و لله الحمد ...

حالا برایم بگو



جشن عید فطر در شهر یا روستای شما چگونه برگزار می‌شود؟

برای خواندن:



مسلمانان هر سال در پایان ماه رمضان، عید فطر را جشن می‌گیرند.
 آنان در این مراسم نماز می‌خوانند و شعارهای اسلامی سر می‌دهند.
 خداوند را شکر می‌کنند که توانسته‌اند یک ماه را با موفقیت روزه بگیرند و به فرمان خداوند عمل کنند. آن‌ها
 در نماز عید از خدای مهربان می‌خواهند همه‌ی انسان‌ها را از بدی‌ها، رنج‌ها و ستم‌ها آزاد کند. عید فطر عید
 بزرگ مسلمانان است.



پاداش نیکي

بعضی وقت‌ها به سبب کاری که انجام داده‌ایم، خوش حال و راضی و گاهی اوقات هم ناراحت و پشیمان هستیم. در جهان آخرت هم بعضی از انسان‌ها شادمان و بعضی دیگر اندوهگین و نگران هستند. این، نتیجه‌ی کارهایی است که در دنیا انجام داده‌اند.
کتاب آسمانی ما قرآن، در این باره می‌فرماید:

هر کس اندکی کار نیک انجام دهد، در جهان آخرت، پاداش آن را می‌گیرد و اگر اندکی کار بد انجام دهد، در جهان آخرت جزای آن را می‌بیند.
بهشت، جایگاه نیکوکاران و جهنم جای بدکاران است.



تو دوست داری چه کارهای نیک دیگری انجام بدهی؟



تو می‌توانی دربارهی کارهای زیر با دوستانت گفت‌وگو کنی.







یک روز صبح، احمد از خواب بیدار شد. پس از خواندن نماز به حیاط خانه آمد. صدای پرنده‌ای را شنید که در گوشه‌ی حیاط افتاده بود. احمد آهسته جلو رفت تا پرنده نترسد. او پرنده را از روی زمین برداشت و فهمید که یکی از بال‌هایش زخمی شده است و نمی‌تواند پرواز کند.

زخمش را بست و برایش دانه و آب آورد. اما پرنده دانه‌ها را نخورد. احمد فهمید که آن پرنده گوشت‌خوار است. از آن پس هر روز از قصابی محل مقداری گوشت می‌خرید و برای پرنده‌ی مهمان می‌آورد. پرنده با احمد دوست شده بود. بعد از مدتی که حال پرنده خوب شد توانست پرواز کند تا این که یک روز بالای سر احمد چند دور زد و از آن جا رفت.

احمد از بچه‌های خوب بود و همیشه سعی می‌کرد رفتار خوبی با دیگران و حتی حیوانات داشته باشد. به همین خاطر، همه‌ی اهل محل او را دوست داشتند و به او احترام می‌گذاشتند. خداوند وعده داده است که همه‌ی انسان‌های خوب را به بهشت ببرد و نعمت‌های فراوان به آن‌ها بدهد.

حالا برایم بگو



وظیفه‌ی ما نسبت به انسان‌ها و حیوانات ضعیف چیست؟



عیادت



در شهر پیامبر، مردی بود که هرگاه پیامبر را می‌دید مزاحم او می‌شد و او را اذیت می‌کرد. حتی یک‌بار از پنجره‌ی خانه‌ی خود، آب بر سر پیامبر ریخت تا بیشتر او را آزار دهد. چند روز بعد خبری از آن مرد نبود پیامبر جوایای او شد. گفتند: بیمار است و نمی‌تواند از خانه بیرون بیاید.

پیامبر (ص) که با همه مهربان بود، به خانه‌ی او رفت و از وی احوال‌پرسی و عیادت کرد. آن مرد از رفتار خوب پیامبر بسیار تعجب کرد و از رفتار بد خود با پیامبر، پشیمان شد و از وی عذرخواهی کرد؛ سپس به دین اسلام و پیامبر ایمان آورد.

حالا بر ایتم بگو



چرا حضرت محمد (ص) از بد رفتاری آن مرد، چشم‌پوشی کرد؟



شیرین و شایسته همکلاسی و همسایه بودند. روزی با هم از مدرسه به خانه بازگشتند. اما شیرین هر چه زنگ خانه را زد، کسی در را باز نکرد.

مادر شایسته که می دانست برادر کوچک شیرین بیمار شده است و پدر و مادرش او را به بیمارستان برده اند، نمی خواست شیرین را نگران کند. از این رو خبر بیماری برادرش را به او نداد و از شیرین دعوت کرد تا وقتی که پدر و مادرش بر می گردند به خانه ی آن ها برود و با شایسته بازی کند. اما چون شیرین از پدر و مادرش اجازه نگرفته بود، دعوت آن ها را قبول نمی کرد.

شایسته گفت: یا باید به خانه ی ما بیایی یا من هم کنار تو می مانم تا پدر و مادرت برگردند. بالاخره شیرین دعوت آن ها را قبول کرد و به خانه ی آن ها رفت. شیرین از پذیرایی و رفتار خوب شایسته و مادرش خوش حال بود. پس از ساعتی حال برادر شیرین بهتر شد و پدر و مادرش او را به خانه آوردند. مادر شایسته از آمدن آن ها باخبر شد و همراه شیرین به عیادت برادر کوچکش رفت. آن ها از شایسته و مادرش تشکر زیادی کردند.

بدانید که پیامبر بزرگ اسلام همیشه درباره ی رعایت حق همسایگان سفارش می فرمود.

حالا برایم بگو



تو با همکلاسی ها و همسایه هایت چگونه رفتار می کنی؟



بخش آموزش قرآن



جلسه‌ی اول

عبارت‌های اذان و اقامه را بخش‌بخش بخوانید.

عبارات اذان و اقامه

۱- اللَّهُ أَكْبَرُ
خدا بزرگ‌تر است.

۲- أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ
شهادت می‌دهم^۱ که خدایی به جز الله نیست.

۳- أَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ
شهادت می‌دهم که حضرت محمد صلی الله علیه و آله پیامبر خداست.

۴- حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ
بشتاب به سوی نماز.

۵- حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ
بشتاب به سوی رستگاری.

۶- اللَّهُ أَكْبَرُ
خدا بزرگ‌تر است.

۷- لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ
خدایی به جز الله نیست.

اکنون قرائت عبارت‌های اذان و اقامه را از نوار گوش کنید؛ همراه با آن بخوانید و خط را نشان دهید.

۱- شهادت می‌دهم: قبول دارم و اعتقاد من این است.

۲- در اذان صبح، بعد از این عبارت، عبارت «الصَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ» گفته می‌شود.



خدا اذان گویان را خیلی دوست دارد.

آیه‌های سوره‌ی حمد را از روی لوحه، بخش بخش بخوانید.

سوره‌ی حمد

- ۱- بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان
- ۲- الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ
سپاس و ستایش برای خداست که پروردگار جهانیان است.
- ۳- الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
بخشنده‌ی مهربان است.
- ۴- مَالِكِ یَوْمِ الدِّیْنِ
صاحب روز قیامت است.
- ۵- اِیَّاكَ نَعْبُدُ وَ اِیَّاكَ نَسْتَعِیْنُ
(خدایا) فقط تو را عبادت می‌کنیم و فقط از تو کمک می‌خواهیم.
- ۶- اِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِیْمَ
ما را به راه راست هدایت کن.
- ۷- صِرَاطَ الَّذِیْنَ اَنْعَمْتَ عَلَیْهِمْ
راه کسانی که به آن‌ها نعمت داده‌ای؛
- ۸- غَیْرِ الْمَغْضُوْبِ عَلَیْهِمْ
نه راه کسانی که بر آن‌ها غضب کرده‌ای،
- ۹- وَ لَا الضَّالِّیْنَ
و نه راه گمراهان.

اکنون سوره‌ی حمد را از نوار گوش کنید؛ همراه با آن بخوانید و خط را نشان دهید.



جلسه‌ی دوم

آیه‌های سوره‌ی توحید را از روی لوحه، بخش‌بخش بخوانید.

سوره‌ی توحید

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان

بگو خدا یگانه است.

خدا بی‌نیاز است و همه به او نیازمندند.

خدا فرزند ندارد و فرزند کسی نیست.

و هیچ‌کس همتای او نیست.

اکنون سوره‌ی توحید را از نوار گوش کنید؛ همراه با آن بخوانید و خط را نشان دهید.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۱- قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ

۲- اللّٰهُ الصَّمَدُ

۳- لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ

۴- وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا اَحَدٌ

پیام قرآنی

رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ

پروردگارا، مرا از نمازگزاران قرار ده.

سوره‌ی ابراهیم، آیه‌ی ۴۰



آیا خود را برای جشن تکلیف آماده می‌کنی؟

وقف بر حرکات ِ

همان‌طور که می‌دانید، صداهاى توخالى ِ در آخر هر سطر خوانده نمی‌شوند. از این پس، این صداها توپُر نوشته شده‌اند ولی مانند گذشته هنگام وقف خوانده نمی‌شوند. این عبارت‌های قرآنی را بخوانید و در آخر هر سطر، وقف کنید.

۱- بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۲- لَا اِلهَ اِلَّا اللّٰهُ

۳- سُبْحَانَ اللّٰهِ

۴- الرَّحْمٰنُ

۵- عَلَّمَ الْقُرْآنَ

اکنون هر کدام، یک سطر از عبارت‌های قرآنی را از روی کتاب خود بخوانید.



جلسه‌ی سوم

انس با قرآن در خانه

دانش‌آموزان عزیز! برای انس بیش‌تر با قرآن، تمرین‌های زیر را در خانه انجام دهید.

تمرین اول: با پرسش از اعضای خانواده یا روحانی مسجد محل خود، درباره‌ی شباهت‌ها و تفاوت‌های اذان و اقامه تحقیق کنید.

تمرین دوم: دو سوره‌ی حمد و توحید را تا آن‌جا که می‌توانید شبیه نوار برای اعضای خانواده‌ی خود بخوانید و سعی کنید معنای هر عبارت را به‌خاطر بسپارید.

تمرین سوم: به کمک عبارت‌های درس و ترجمه‌ی آن‌ها، معنای کلمه‌ها و عبارت‌های زیر را، روبه‌روی آن‌ها بنویسید.

۱- اللَّهُ :

۲- اللَّهُ أَكْبَرُ :

۳- رَسُولُ :

۴- رَسُولُ اللَّهِ :

۵- لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ :

۶- بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ :

درس ۲

جلسه اول

ذکرهای نماز را از روی لوحه، بخش بخش بخوانید.



رُكُوع

سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ

پروردگارِ بزرگِ من، عیب و نقصی ندارد و من او را سپاس و ستایش می‌کنم.

پس از رکوع

سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ

خدا سپاس و ستایش بنده‌اش را می‌شنود و می‌پذیرد.

رَبَّنَا وَلَكَ الْحَمْدُ

پروردگارا سپاس و ستایش برای تو است.

سَجْدَه

سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَ بِحَمْدِهِ

پروردگارِ بلندمرتبه‌ی من، عیب و نقصی ندارد و من او را

سپاس و ستایش می‌کنم.





جلسه‌ی دوم

ذکرهای تشهد و سلام را به صورت بخش‌بخش بخوانید.

تشهد و سلام در مذهب شافعی (تحیات):

اَلتَّحِيَّاتُ لِلّٰهِ

سلام‌ها و درودها از آن خداست.

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَةُ اللّٰهِ وَ

سلام بر تو ای پیامبر و رحمت و برکات خدا بر تو

بَرَكَاتُهُ وَ

باد.

اَلسَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَىٰ عِبَادِ اللّٰهِ الصّٰلِحِيْنَ

سلام بر ما و بر بندگان شایسته خدا.

اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ

شهادت می‌دهم که خدایی به جز خدای یگانه نیست.

وَ اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا رَسُوْلُ اللّٰهِ

و شهادت می‌دهم که حضرت محمد پیامبر خداست.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ عَلٰی اٰلِ

خدایا درود فرست بر سرور ما حضرت محمد و بر

سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ

خاندان سرور ما حضرت محمد.

اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللّٰهِ

سلام بر شما مؤمنان و رحمت خدا بر شما باد.



تشهد و سلام در مذهب حنفی^۱:

سلام ها و درودها برای خداست.
همچنین نمازها و چیزهای خوب

التَّحِيَّاتُ لِلَّهِ وَالصَّلَوَاتُ وَالطَّيِّبَاتُ

السلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ و سلام بر تو ای پیامبر و رحمت و برکات خدا بر تو باد.

سلام بر ما و بر بندگان شایسته خدا.

السلامُ عَلَيْنَا وَ عَلَىٰ عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ

شهادت می‌دهم که خدایی به جز خدای یگانه نیست.

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

و شهادت می‌دهم که حضرت محمد بنده و پیامبر خداست.

وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ

خدایا درود فرست بر حضرت محمد و بر خاندان حضرت محمد.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَ عَلَىٰ آلِ مُحَمَّدٍ

همان گونه که درود فرستادی بر حضرت ابراهیم و بر خاندان حضرت ابراهیم.

كَمَا صَلَّيْتَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَ عَلَىٰ آلِ إِبْرَاهِيمَ

قطعا تو ستوده و بزرگوار هستی.

إِنَّكَ حَمِيدٌ مُّجِيدٌ

خدایا برکت بده به حضرت محمد و به خاندان حضرت محمد.

اللَّهُمَّ بَارِكْ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَ عَلَىٰ آلِ مُحَمَّدٍ

همان گونه که برکت دادی به حضرت ابراهیم و به خاندان حضرت ابراهیم.

كَمَا بَارَكْتَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَ عَلَىٰ آلِ إِبْرَاهِيمَ

که قطعا تو ستوده و بزرگوار هستی.

إِنَّكَ حَمِيدٌ مُّجِيدٌ

السلامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ

۱ - جمع کردن انگشتان دست راست (به جز انگشت اشاره) در هنگام تشهد، در مذهب حنفی از مسائل اختلافی می‌باشد.



پیام قرآنی

خدا و فرشتگان او

بر پیامبر صلوات و درود می فرستند

ای مؤمنان

شما نیز بر او صلوات و درود بفرستید

و تسلیم فرمان او شوید.

إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ

يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا

صَلُّوا عَلَيْهِ

وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا

مَلَائِكَةٌ :





جلسه‌ی سوم

انس با قرآن در خانه

دانش‌آموزان عزیز! برای انس بیش‌تر با قرآن، تمرین‌های زیر را در خانه انجام دهید.

تمرین اول: هرکدام از ذکرهای نماز را که تاکنون حفظ کرده‌اید، در کلاس بخوانید.

تمرین دوم: در تشهد نماز، به چه چیزهایی شهادت می‌دهیم؟

تمرین سوم: در سلام نماز، بر چه کسانی سلام و درود می‌فرستیم؟

تمرین چهارم: به کمک عبارتهای درس و ترجمه‌ی آنها، معنای هریک از کلمه‌های زیر را، روبه‌روی آن بنویسید.

۲- حَمْدُ :

۱- رَبَّنَا :

۴- أَعْلَى :

۳- عَظِيم :

۶- عِبَاد :

۵- نَبِيّ :



مطمان محترم و اولیای کرامی دانش آموزان و صاحب نظران می توانند نظر اصلاحی خود را در باره ی مطالب
این کتاب از طریق نامه به نشانی تهران - صندوق پستی ۳۶۲ ۱۵۸۵۵ - گروه درسی مربوط و یا پیام نگار (Email)
talif@talif.sch.ir ارسال نمایند.

دفتر نامه ریختن و تایف کتاب دانشجوی